

هیجان ورزشی و کارایی جمعی در ورزشکاران سالم و معلول

سید حجت زمانی ثانی^۱، زهرا فتحی رضائی^۲، و کوثر عباس‌پور^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۲۹

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی کارایی جمعی و هیجان ورزشی و عوامل پیش‌بینی‌کننده منابع کارایی جمعی توسط هیجان ورزشی در ورزشکاران سالم و معلول بود که به روش پس‌رویدادی انجام شد. ۴۱ ورزشکار معلول و ۴۳ ورزشکار سالم به صورت خوشه‌ای از رشته‌های تیمی انتخاب شدند. پرسش‌نامه‌های هیجان ورزشی و کارآمدی جمعی در ورزش استفاده شدند. تحلیل واریانس چندمتغیره و رگرسیون چندمتغیره در سطح معناداری ۰/۰۵ استفاده شد. تفاوت معناداری در هیجان ورزشی و کارایی جمعی بین ورزشکاران سالم و معلول، نشان داده شد. از بین عوامل هیجان ورزشی و کارایی جمعی، تنها در عامل اضطراب و خشم، تفاوت معناداری بین دو گروه وجود داشت. علاوه بر این، هیجان ورزشی در ورزشکاران معلول ۳۱ درصد و در ورزشکاران سالم ۱۵ درصد از تغییرپذیری کارایی جمعی را پیش‌بینی کرد. همچنین اهمیت سابقه ورزشی و تنظیم اضطراب و خشم در ورزش‌های معلولین و شادی در ورزشکاران سالم مورد بحث قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: هیجان ورزشی، کارایی جمعی، معلول، اضطراب، خشم.

مقدمه

به گزارش سازمان بهداشت جهانی، معلولیت به‌عنوان یک پدیده انسانی، تقریباً ده درصد جمعیت هر جامعه را در برمی‌گیرد. واکنش‌ها به معلولیت از دهه ۱۹۷۰ تغییر پیدا کرده، توسط نهادهای مردمی گسترش یافته و به مرور زمان به عنوان یک مسأله حقوق بشر مطرح شده است (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۱۱). روش‌های مختلفی برای کاهش تبعیض علیه معلولین استفاده می‌شود که یکی از آن‌ها مشارکت معلولین در ورزش‌های ویژه است. اگرچه ورزش معلولین یک پدیده جدید محسوب می‌شود، اما رشد قابل توجهی در مشارکت ورزشی مشاهده می‌گردد (اسمیت و اسپارکز، ۲۰۱۲). در برابر پیشینه تاریخی کوتاه و رشد چشم‌گیر آن، محققان به طور فزاینده توجه خود را به ورزش معلولین معطوف کرده‌اند. برای مثال روان‌شناسان ورزشی چگونگی استفاده ورزشکاران معلول از مهارت‌های ذهنی و به کارگیری آن برای ارتقاء عملکرد خود را مورد بررسی قرار داده‌اند (مارتین، ۲۰۱۰). مشکلات روانی یکی از شایع‌ترین پیامدهای معلولیت محسوب می‌گردد. بروز این مشکلات در میان معلولین کشورهای در حال توسعه دامنه وسیع‌تری دارد و دائماً رو به افزایش است (سیاسی، نوربخش و آقایی، ۲۰۱۲). برخی پژوهش‌ها حاکی از آن است که ناتوانی می‌تواند منجر به مشکلاتی در اعتمادبه‌نفس، خوداثربخشی، روابط اجتماعی، رضایت از زندگی و نیز وجود احساس تنهایی و ترس شود (حیدریه، مشاک و درویشی، ۲۰۰۹). براین اساس بنظر می‌رسد ورزش و فعالیت‌های بدنی یکی از راهکارهای مناسب جهت ارتقاء سطح سلامت روانی افراد، به خصوص معلولین باشد (سیاسی و همکاران، ۲۰۱۲). البته باید توجه داشت

که فرایند ورزش برای آنان، می‌تواند با دیگران متفاوت است. در این راستا باسلاو و اندرسون^۳ (۲۰۰۶) عنوان کردند که شرکت منظم افراد معلول در فعالیت‌های بدنی بر سلامت جسمانی، روانی و بهزیستی آن‌ها تأثیرگذار بوده و موجب بهبود کیفیت زندگی می‌شود. به نظر می‌رسد معلولین در طول فعالیت ورزشی، دیگران را می‌پذیرند، به خود اعتماد پیدا می‌کنند، حد توانایی و ناتوانی‌های خود را می‌شناسند، برای یادگیری بیشتر تلاش می‌کنند، از اشتباهات و خطاهای خود درس می‌گیرند و در زندگی اجتماعی از این تجربیات بهره می‌برند.

در واقع خودشناسی اولین گام در روان‌شناسی ورزشی است. شناخت ابعاد و ویژگی‌های روانی ورزشکاران بر رقابت و عملکرد ورزشی آن‌ها تأثیرگذار است. مربیان و خود ورزشکاران با شناخت دقیق ابعاد روانشناختی از خود، هم‌تیمی‌ها و رقیبان، می‌توانند عملکرد خود را بهبود بخشند. در این میان یکی از رویکردهای مهم در مطالعات روان‌شناسی ورزشی، هیجان‌ات مرتبط با عملکرد است (لی، کیم و هیر، ۲۰۱۸). لازاروس^۵ (۲۰۰۰ الف) هیجان‌ات را یک واکنش روان‌شناختی سازمان یافته تعریف می‌کند که با محیط و عوامل فردی و اجتماعی در ارتباط است. هیجان‌ات بر عملکرد جسمانی، انگیزشی و شناختی ورزشکاران (پاپایونان، کاراستوگیانیدو و تتودوروآکیس، ۲۰۰۴) و در تنظیم احساسات آنها و ارتباط با هم‌تیمی‌هایشان تأثیرگذار است (فریزن و همکاران، ۲۰۱۳). هیجان در ورزش به صورت اعمال کلامی و غیرکلامی است که بر احساسات تأثیر می‌گذارد و توانایی‌های احساسی خود فرد (مانند توانایی برای شناسایی، پردازش، درک و

1. Smith & Sparkes
2. Martin
3. Boslaugh, Andresen
4. Lee, Kim, Heere

5. Lazarus
6. Papaioannou, Karastogiannidou, Theodorakis
7. Friesen

فعالیت فیزیولوژیکی را نشان می‌دهند که می‌توانند بر عملکرد و کارایی جمعی تأثیر متفاوتی بگذارند (لاوالی، تاچر و جونز^۶؛ لازاروس، ۲۰۰۴؛ لازاروس، ۲۰۰۰ ب). کارور^۷ (۲۰۰۴) بیان کرد که هیجان‌ات مثبت ممکن است به طور همزمان با عملکرد اتفاق بیفتد و می‌تواند تسهیل کننده دست‌یابی به اهداف باشد. برای کنترل اثرات منفی استرس و هیجان‌ات ناخوشایند، ورزشکاران باید عملکرد خود را به بهترین شکل ممکن انجام دهند. وست و همکاران (۲۰۱۰) دریافتند که شادی و هیجان‌زدگی بازیکنان زن سافتبال در طی رقابت ملی با تمرکزشان همبستگی مثبتی دارد، در حالی که بین افسردگی و خشم بازیکنان با تمرکز، همبستگی منفی گزارش شده است (وست، یونگ و توماس^۸؛ ۲۰۱۰). همچنین شادی و هیجان‌زدگی، بیشتر از افسردگی و خشم بر افزایش عملکرد تأثیر دارد. نظریه شناختی-انگیزشی-رابطه‌ای^۹ لازاروس (۲۰۰۰ ب) بیان می‌کند که هیجان‌ات خاص ورزشکاران که با ارتباطات مرکزی آن‌ها هدایت می‌شود، اثرات متقابل بین فردی و محیط را توصیف می‌کند. با وجود نیاز به پژوهش بیشتر در مورد ارتباط هیجان‌ات و عملکرد، در حال حاضر شواهد کافی وجود دارد که نشان می‌دهد هیجان‌ات می‌توانند سطح عملکرد ورزشکاران را تحت تأثیر قرار دهند (لازاروس، ۲۰۰۰ ب؛ والرند و بلنچارد^{۱۰}؛ ۲۰۰۰). بنابراین روان‌شناسان ورزشی با ورزشکارانی مواجه خواهند شد که در طول رقابت، هیجان‌ات تضعیف کننده را تجربه می‌کنند که می‌تواند بر سایر ویژگی‌های رفتاری آن‌ها تأثیرگذار باشد (جونز، ۲۰۰۳).

هیجان در درجه اول به عنوان یک حالت فردی در نظر گرفته می‌شود، اما هیجان‌ات به انتقال و گفتگو با

مدیریت احساسات) نیز در آن دخیل است (چان^۱؛ ۱۹۹۸). جونز^۲ (۲۰۰۳) و هانین^۳ (۲۰۰۷) بیان می‌کنند که هر ورزشکار دارای حالت هیجانی شخصی مربوط به خود است که احتمال وقوع عملکرد موفق در آن بیشتر است. آن‌ها نشان دادند که وضعیت عاطفی و هیجانی ورزشکاران در تعیین عملکرد موفق بسیار اهمیت دارد. شرایط عملکرد بهینه می‌تواند هم شامل هیجان‌ات مثبت و هم هیجان‌ات منفی باشد. در الگوی محدوده فردی عملکرد بهینه^۴ هانین (۲۰۰۰) در تلاش بوده تا الگوهای هیجانی مرتبط با عملکرد ورزشکاران موفق را شناسایی کند. این الگو شامل چهار گروه از شرایط هیجانی است: هیجان مثبت- بهبود عملکرد، هیجان مثبت- اختلال در عملکرد، هیجان منفی- بهبود عملکرد و هیجان منفی- اختلال در عملکرد. ارزیابی‌های هانین باعث شناسایی دامنه‌ای از هیجان‌ات بهینه و ویرانگر شد و نیمرخ کوه یخی محدوده فردی عملکرد بهینه از آن استخراج گردید. هیجان‌ات مثبت و منفی محدوده بهینه را تشکیل می‌دهند که بهبود عملکرد را به دنبال دارند (هیجان مثبت- بهبود عملکرد و هیجان منفی- بهبود عملکرد). ورزشکارانی که حالت‌های هیجانی آن‌ها در درون محدوده فردی عملکرد بهینه‌شان قرار دارد، موفق‌تر از ورزشکارانی هستند که حالت هیجانی‌شان خارج از محدوده فردی عملکرد بهینه‌شان است (رویز، راگلین و هانین^۵؛ ۲۰۱۷).

هیجان‌ات مثبت می‌تواند احساس خوشحالی برای برنده شدن و یا دست‌یابی به اهداف باشد. از طرفی، نارضایتی و عصبانیت نوعی از هیجان‌ات منفی محسوب می‌شوند. هر دو نوع از هیجان‌ات الگوهای مشابه یا متفاوتی از

6. Lavallee, Thatcher, Jones
7. Carver
8. Vast, Young, Thomas
9. Cognitive-motivational-relational theory
10. Vallerand, Blanchard

1. Chan
2. Jones
3. Hanin
4. Individualized Zone of Optimal Functioning (IZOF)
5. Ruiz, Raglin, Hanin

درک هیجان و تعامل بین اعضا نیاز دارد که تلاش می‌کند تا وظایف گروهی را هماهنگ کند (پهرامی، خواجه‌جوی و کاووسی، ۲۰۱۴). پژوهش‌ها تأکید کرده‌اند که انسجام گروهی بالا بر عملکرد تیم‌های ورزشی تأثیر مثبت می‌گذارد و اغلب تیم‌های ورزشی با انسجام گروهی بیشتر، نتایج بهتری را نسبت به تیم‌هایی که انسجام کمتری دارند، به دست می‌آورند (کارون و همکاران، ۲۰۰۲).

تاچ^۷ و همکاران در بررسی مدل مسیرهای مربوط به کارآمدی و اقدامات جمعی بیان کردند مسیر هیجانانگیز، خشم و عصبانیت در پاسخ به بی‌عدالتی اجتماعی می‌تواند رفتارهای جمعی را پیش‌بینی کند (تاچ و همکاران، ۲۰۱۱).

با توجه به اینکه تحقیقات بسیار اندکی در زمینه روان‌شناسی ورزشی افراد معلول و تفاوت ورزشکاران معلول و سالم در زمینه روان‌شناسی ورزشی - با توجه به تفاوت‌های آن‌ها در توانایی‌های عملکردی - وجود دارد، بنابراین پرداختن به این امر ضروری به نظر می‌رسد. همچنین دانش پایه روان‌شناسی ورزشی معلولین نسبت به روان‌شناسی ورزشی ورزشکاران سالم و تفاوت آن‌ها بسیار اندک است. با توجه به موارد بیان شده، شناخت نوع هیجانانگیز و کارایی تیمی در ورزشکاران معلول و سالم از الزامات ورزش‌های گروهی است که با درک صحیح از آن‌ها می‌توان در جهت بهبود عملکرد گام‌های مؤثری برداشت. بدین منظور هدف از پژوهش حاضر شناسایی منابع کارایی جمعی توسط هیجانانگیز در دو گروه از ورزشکاران معلول و سالم است تا بتوان گفت کدامیک از هیجانانگیز می‌تواند کارایی جمعی ورزشکاران این دو گروه را بهبود بخشد یا باعث تنزل عملکرد جمعی آن‌ها شود.

دیگران بصورت کلامی و غیر کلامی نیز اشاره دارند. هانفیلد، کاکوپو و راپسون^۱ (۱۹۹۳) دریافتند که در تیم‌ها، هیجانانگیز به طور متناوب تقلید می‌شوند و حتی بین هم‌تیمی‌ها منتقل می‌شوند. این نشان می‌دهد که تیم‌ها قادر به داشتن مجموعه‌ای از هیجانانگیز که پیش‌بینی کننده عملکرد گروه هستند، می‌باشند (بارسید^۲، ۲۰۰۲). اما به نظر نمی‌رسد که کارایی جمعی تنها به مجموعه‌ای از تلاش‌های فردی وابسته باشد، بلکه در واقع یک تعامل پیچیده‌تر روابط بین فردی با عوامل دیگر وجود دارد (کشتان، رمضان‌نژاد، کوردشولی و پناهی^۳، ۲۰۱۰). همچنین پژوهش‌های روان‌شناسی ورزشی اهمیت کارایی جمعی را در رسیدن به موفقیت نشان می‌دهند (کارون، بری و ایز^۴، ۲۰۰۲). کارایی جمعی ادراک فرد از توانایی‌های عملکردی گروه و باورهایی است که پیامدهای مهمی برای عملکرد تیم به دنبال دارد، به ویژه برای وظایفی که تعامل میان اعضای گروه برای رسیدن به موفقیت الزامی است. در نتیجه، این موضوع یک بخش مهم از ورزش‌های تیمی بوده و می‌تواند بر تلاش گروهی و داشتن پشتکار در شرایط سخت تأثیر بگذارد و از عوامل موفقیت تیم‌های پیروز باشد (بندورا^۵، ۱۹۹۷). در همین راستا آلن، جونز و شفیلد^۶ نشان دادند که برنده شدن تیم با شادی و کارایی جمعی همبستگی مثبت و معنادار دارد. از طرفی دیگر در هر دو تیم برنده و بازنده میزان اضطراب، خشم، انگیزش و شادی با کارایی جمعی همبستگی دارد (آلن، جونز و شفیلد، ۲۰۰۹). از این جنبه، کارایی جمعی نقشی غالب را در ورزش‌هایی که نیاز به سطح بالایی از تعامل، وابستگی و هماهنگی برای انجام وظایف دارند، بازی می‌کند. ورزش‌هایی همانند بسکتبال، فوتبال، هندبال و والیبال به سطح بالایی از

4. Carron, Bray, Eys
5. Bandura
6. Allen, Jones, Sheffield
7. Tausch

1. Hatfield, Cacioppo, Rapson
2. Barsade
3. Keshan, Ramzaninezhad, Kordshooli, Panahi

روش پژوهش

پژوهش حاضر از پس‌رویدادی بود که به شکل میدانی انجام شد.

شرکت‌کنندگان

جامعه آماری این پژوهش ورزشکاران سالم و معلول تبریز در رشته‌های تیمی بود که ۴۱ ورزشکار معلول جسمی-حرکتی از هیئت ورزشی جانبازان و معلولین استان آذربایجان شرقی و ۴۳ ورزشکار سالم به صورت خوشه‌ای از رشته‌های مختلف ورزشی به عنوان نمونه انتخاب شدند. با توجه به محدود بودن تعداد ورزشکاران معلول در استان، ورزشکاران سالم به صورت همگن با گروه ورزشکاران معلول انتخاب شدند. افراد آموزش دیده برای جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها به هیئت‌های ورزشی استان آذربایجان شرقی مراجعه کردند و بعد از کسب مجوز از مراکز ذیربط پرسش‌نامه‌های تهیه شده را همراه با رضایت‌نامه آگاهانه توزیع و داده‌ها را جمع‌آوری کردند.

ورزشکاران معلول از رشته‌های ورزشی والیبال (N=۲۵) و بسکتبال (N=۱۶) و ورزشکاران سالم از رشته‌های ورزشی فوتبال (N=۲۱)، بسکتبال (N=۱۰) و والیبال (N=۱۲) در این پژوهش شرکت داشتند. میانگین سنی ورزشکاران معلول 38.1 ± 10.12 سال و ورزشکاران سالم 26.8 ± 13.96 سال؛ سابقه شرکت در ورزش برای ورزشکاران معلول 11.78 ± 9.94 و ورزشکاران سالم $7.3 \pm 9.5/96$ سال بود. بهترین مقام کسب شده توسط هر ورزشکار براساس چهار مقام شهری، منطقه‌ای، کشوری و جهانی در هر دو گروه بررسی شد و نتایج نشان داد در ورزشکاران معلول یک نفر مقام شهری، ۵ نفر مقام منطقه‌ای، ۲۱ نفر مقام کشوری و ۱۴ نفر مقام بین‌المللی داشتند و برای ورزشکاران سالم یک نفر مقام

شهری، ۱۹ نفر مقام منطقه‌ای، ۲۰ نفر مقام کشوری و ۳ نفر مقام بین‌المللی کسب کرده بودند.

ابزار و شیوه گردآوری داده‌ها

۱. پرسش‌نامه اطلاعات جمعیت‌شناختی که شامل سن، سابقه ورزشی، بهترین مقام کسب شده و نوع رشته ورزشی بود.

۲. برای ارزیابی هیجان ورزشی پرسش‌نامه ۲۲ گویه‌ای هیجان ورزشی تعدیل شده جونز، لین، بری، آفیل، و کاتلین^۲ (۲۰۰۵) مورد استفاده قرار گرفت. این پرسش‌نامه شامل ۵ هیجان فراگیر: اضطراب (گویه‌های ۱، ۶، ۱۱، ۱۶ و ۲۱)، افسردگی (گویه‌های ۲، ۷، ۱۲، ۱۷ و ۲۲)، هیجان‌زدگی (گویه‌های ۳، ۸، ۱۳ و ۱۹)، خشم (گویه‌های ۴، ۹، ۱۴ و ۱۸) و شادی (گویه‌های ۵، ۱۰، ۱۵ و ۲۰) بود که در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (=۰ هرگز تا =۴ بسیار زیاد) استفاده شد. پایایی آن در ساخت پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ از ۰/۸۱ تا ۰/۸۸ بدست آمده است. همچنین روایی سازه آن با استفاده از ضریب همبستگی با کل آزمون و خرده مقیاس‌ها و همچنین به روش تحلیل عامل تأییدی اثبات شده است (جونز و همکاران، ۲۰۰۵). در پژوهش حاضر پایایی پنج عامل هیجان ورزشی با استفاده از آلفای کرونباخ در خرده مقیاس‌های اضطراب (۰/۷۶)، افسردگی (۰/۸۲)، هیجان‌زدگی (۰/۶۰)، خشم (۰/۶۳)، شادی (۰/۶۲) و کل هیجان ورزشی (۰/۸۷) بدست آمد. همچنین برای بررسی روایی سازه از روش همبستگی خرده مقیاس‌ها با نمره کل استفاده شد و بدین منظور ضریب همبستگی پنج عامل با کل هیجان ورزشی در سطح معناداری $p \leq 0.01$ در خرده مقیاس‌های اضطراب ($r=0.77$)، افسردگی ($r=0.81$)، هیجان‌زدگی ($r=0.72$)، خشم ($r=0.85$) و شادی ($r=0.54$) بدست آمد.

2. Jones, Lane, Bray, Uphill, & Catlin

1. Modified Sport Emotion Questionnaire (SEQ)

متغیره استفاده شد. میانگین هیجان ورزشی در ورزشکاران معلول $1/97 \pm 0/64$ و در ورزشکاران سالم $1/0 \pm 70/36$ بود. این ویژگی در کارایی جمعی ورزشکاران معلول و سالم نیز مشاهده شد (به ترتیب $8/1 \pm 17/31$ و $7/58 \pm 1/37$). نتایج نشان داد بین دو گروه ورزشکاران در هیجان ورزشی کل و کارایی جمعی کل تفاوت معناداری وجود دارد ($P=0/086$) مجذور جزئی اتا؛ $0/914 =$ ویلکس لامبدا؛ $P=0/027$ و $F_{(1, 81)}=3/794$ استفاده $F_{(2, 81)}$ تحلیل هر یک از متغیرها به تنهایی، با استفاده از آلفای تعدیل شده ($P \leq 0/025$) نشان داد که بین دو گروه ورزشکاران در عوامل هیجان ورزشی تفاوت معناداری است ($P=0/018$ و $F_{(1, 81)}=5/796$) ولی در عوامل کارایی جمعی ورزشی تفاوتی مشاهده نشد ($P=0/045$ و $F_{(1, 81)}=4/154$). براساس تفاوت بین میانگین نمرات هیجان ورزشی در دو گروه ورزشکاران معلول و سالم ($0/275 =$ تفاوت میانگین)، میانگین ورزشکاران معلول بیشتر از ورزشکاران سالم بود. در ادامه به بررسی تفاوت بین دو گروه ورزشکار در عامل‌های هیجان ورزشی (پنج عامل) و کارایی جمعی در ورزش (پنج عامل) با استفاده از روش آماری تحلیل واریانس چند متغیره در سطح آلفای تعدیل شده ($0/05 = 0/05 \div 5 = 0/01$) پرداخته شد. نتایج نشان داد تفاوت معناداری بین دو گروه ورزشکاران در عوامل هیجان ورزشی ($0/181 =$ مجذور جزئی اتا؛ $0/819 =$ ویلکس لامبدا؛ $P=0/007$ و $F_{(5, 78)}=3/452$) وجود دارد، با این حال تفاوت معناداری در عوامل کارایی جمعی ($0/058 =$ مجذور جزئی اتا؛ $0/942 =$ ویلکس لامبدا؛ $P=0/451$ و $F_{(5, 78)}=0/955$) مشاهده نشد.

۳. برای سنجش کارایی تیمی از پرسشنامه ۲۰ گویه‌ای کارآمدی جمعی در ورزش شورت و سولیوان و فلتز (۲۰۰۵) استفاده شد که با مقیاس ۱۱ درجه‌ای ($0 =$ اصلاً اعتماد ندارم تا $10 =$ کاملاً اعتماد دارم) نمره‌گذاری شده بود. این پرسش‌نامه شامل خرده مقیاس‌های تلاش (گویه‌های ۸، ۱۰ و ۱۶)، توانایی (گویه‌های ۱، ۱۴ و ۱۵)، آمادگی (گویه‌های ۴، ۱۲، ۱۸ و ۱۹)، پشتکار (گویه‌های ۳، ۹، ۱۱ و ۱۷) و اتحاد (گویه‌های ۲، ۶ و ۲۰) بود. روایی این پرسشنامه در ترجمه فارسی آن بعد از حذف دو گویه مورد تأیید قرار گرفته است. در بررسی پایایی ضریب آلفای کرونباخ در تمامی ۵ عامل بالاتر از مقدار قابل قبول بوده و ضریب پایایی زمانی آن نیز $0/84$ بدست آمده است (بهرامی، خواجه‌وی و کاوسی، ۲۰۱۴).

روش‌های پردازش داده‌ها

برای تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس چند متغیره برای بررسی تفاوت بین دو گروه ورزشکاران معلول و سالم در عوامل و خرده مقیاس‌های آن‌ها و از رگرسیون خطی با روش اینتر برای پیش‌بینی کارآمدی جمعی توسط هیجان ورزشی در دو گروه ورزشکاران معلول و سالم بطور مجزا با نرم افزار اس. پی. اس. نسخه ۲۳ استفاده شد.

یافته‌ها

آزمون کلموگروف-اسمیرنوف برای نرمال بودن داده‌ها نشان داد که توزیع داده‌ها در هر دو گروه نرمال است، لذا جهت بررسی تفاوت بین دو گروه در هیجان ورزشی کل و کارایی جمعی از روش تحلیل واریانس چند

جدول ۱. مقادیر میانگین و انحراف استاندارد و نتایج تحلیل واریانس چند متغیره عوامل هیجان ورزشی و کارایی جمعی در دو گروه ورزشکاران معلول و سالم

عوامل	معلول		سالم		مقدار F	مقدار P	مجذور جزئی اتا
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد			
اضطراب	۱/۷۴	۰/۷۴	۱/۲۴	۰/۵۴	۲۱/۲۱	۰/۰۰۱ ^a	۰/۱۳۰
افسردگی	۱/۱۱	۰/۸۵	۰/۸۹	۰/۶۷	۱/۸۷	۰/۱۷۵	۰/۰۰۲
هیجان زدگی	۱/۲۸	۰/۷۲	۲/۱۰	۰/۶۱	۱/۵۵	۰/۲۱۷	۰/۰۱۹
خشم	۱/۹۵	۰/۹۵	۱/۴۱	۰/۴۸	۱۷/۱۵۱	۰/۰۰۴ ^b	۰/۱۱۱
شادی	۲/۸۵	۰/۶۳	۲/۶۹	۰/۶۱	۱/۳۰	۰/۲۵۷	۰/۰۱۶
تلاش	۸/۴۰	۱/۳۵	۷/۷۱	۱/۵۵	۴/۶۲	۰/۰۳۴	۰/۰۵۳
توانایی	۸/۳۴	۱/۳۷	۷/۸۵	۱/۳۹	۲/۶۱	۰/۱۱۰	۰/۰۳۱
کارایی جمعی آمادگی	۸/۱۵	۱/۴۶	۷/۵۵	۱/۵۹	۳/۲۳	۰/۰۷۶	۰/۰۳۸
پشتکار	۷/۸۸	۱/۴۱	۷/۳۸	۱/۵۶	۲/۳۴۳	۰/۱۳۸	۰/۰۲۷
اتحاد	۸/۱۲	۱/۴۸	۷/۴۷	۱/۶۰	۳/۷۰	۰/۰۵۸	۰/۰۴۳

a, b سطح معناداری $P \leq 0.01$ (آلفای تعدیل شده)

پیش‌بینی کننده کارایی جمعی در ورزش توسط هیجان ورزشی از روش رگرسیون چند متغیری با روش اینتر در دو گروه ورزشکاران سالم و معلول به طور مجزا استفاده شد. نتایج رگرسیون چندمتغیره در ورزشکاران معلول نشان داد با توجه به مقدار مجذور آر تنظیم شده می‌توان گفت در این مدل ۳۱ درصد از تغییر کارایی جمعی مربوط به هیجان ورزشی است (جدول ۲) و این مدل با مقادیر $(F_{(5, 35)} = 4.60, P \leq 0.05)$ معنادار بود.

همانطور که در جدول ۱ نشان داده شده از بین پنج عامل هیجان ورزشی، فقط تفاوت معناداری بین دو گروه ورزشکار در عوامل اضطراب و خشم مشاهده شد، که براساس مقادیر میانگین اضطراب و خشم ورزشکاران معلول بیشتر از ورزشکاران سالم بود. همچنین تفاوت معناداری بین دو گروه در پنج عامل کارایی جمعی در ورزش مشاهده نشد. در ادامه به بررسی توانایی پیش‌بینی کارایی جمعی از عوامل هیجان ورزشی پرداخته شد. جهت تعیین منابع

جدول ۲. رگرسیون چندمتغیره پیش‌بینی کارایی جمعی توسط هیجان‌های ورزشی در ورزشکاران معلول و همبستگی بین متغیرهای پیش‌بین

متغیرهای پیش‌بین	بتا	مقدار تی	سطح معناداری	اضطراب	افسردگی	هیجان زدگی	خشم
اضطراب	۰/۰۱۵	۰/۰۷۱	۰/۹۴۴				
افسردگی	۰/۲۳۵	۰/۹۴۱	۰/۳۵۳	۰/۷۷۴*			
هیجان زدگی	۰/۵۹۲	۲/۴۴۵	۰/۰۲۰*	۰/۵۳۰*	۰/۵۹۳*		
خشم	-۰/۵۶۱	-۲/۳۳۰	۰/۰۲۶*	۰/۵۸۲*	۰/۷۳۰*	۰/۷۶۲*	
شادی	۰/۳۰۷	۱/۷۲۳	۰/۰۹۴	۰/۲۰۵	۰/۲۴۴	۰/۶۴۷*	۰/۴۷۳*

$P \leq 0.05$ *

کارایی جمعی مربوط به هیجان ورزشی را پیش‌بینی می‌کند، بطوری که این مدل با مقادیر $P \leq 0/05$ ، $F_{(5, 37)} = 2/54$ معنادار بود. براساس نتایج جدول ۳، از بین پنج هیجان ورزشی، فقط شادی با مقدار بتا = $0/471$ و سطح معناداری = $0/014$ توانایی پیش‌بینی کارایی جمعی در ورزشکاران سالم را داشت.

براساس نتایج جدول ۲، از بین پنج خرده مقیاس هیجان ورزشی، هیجان‌زدگی با مقدار بتا = $0/59$ و سطح معناداری = $0/020$ و خشم با مقدار بتا = $0/561$ و سطح معناداری = $0/026$ ، توانایی پیش‌بینی کارایی جمعی در ورزشکاران معلول را داشتند. در ورزشکاران سالم نتایج رگرسیون چندگانه نشان داد که با توجه به مقدار مجذور آر تنظیم شده، این مدل ۱۵ درصد از تغییر

جدول ۳. رگرسیون چندمتغیره پیش‌بینی کارایی جمعی توسط هیجان‌های ورزشی در ورزشکاران سالم و همبستگی بین متغیرهای پیش‌بین

متغیرهای پیش‌بین	بتا	مقدار تی	سطح معناداری	اضطراب	افسردگی	هیجان‌زدگی	خشم	شادی
اضطراب	-0/158	-0/766	0/449					
افسردگی	-0/124	-0/648	0/521					
هیجان‌زدگی	-0/040	-0/216	0/830	-0/061	-0/044			
خشم	0/254	1/196	0/239	0/506*	-0/228*			
شادی	0/471	2/574	0/014*	-0/149	0/577*	-0/057		

$P \leq 0/05^*$

احتمالاً علت این موضوع می‌تواند بالا بودن میانگین سنی ورزشکاران معلول (تفاوت میانگین سنی در دو گروه حدود ۱۲ سال بود) و یا سابقه زیاد آن‌ها در مشارکت ورزشی و حضور در میدانی ورزشی و مسابقات مختلف باشد. این موضوع با نتایج رید، چان و میکلز (رید، چان و میکلز، ۲۰۱۴) که بیان کردند شناخت هیجان‌های منفی مانند اضطراب، غم و خشم در افراد وابسته به سن است، همخوانی دارد. با اینحال با نتایج فریزن و همکاران (۲۰۱۳) ناهمسو است. آنها هیچ شواهدی را مبتنی بر تفاوت‌های سنی در درک هیجان‌ها و احساسات مشاهده نکردند. در آن پژوهش عنوان شد که درک هیجان‌ها و احساسات بیشتر به تجربه افراد و حضور آن‌ها در جامعه مرتبط است و این نتیجه همسو با دلیل احتمالی پژوهش حاضر در تفاوت بین دو گروه بر مبنای میزان تجربه ورزشی‌شان است.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که کارایی جمعی (میرز، فلتز و شورت، ۲۰۰۴) و هیجان ورزشی (فریزن و همکاران، ۲۰۱۳) تأثیر بسزایی در عملکرد دارند. پژوهش حاضر با هدف بررسی تفاوت هیجان ورزشی و کارایی جمعی در ورزشکاران سالم و معلول انجام شد. براساس میانگین‌های بدست آمده، ورزشکاران معلول در تمام خرده مقیاس‌های هیجان ورزشی و کارایی جمعی مقادیر بالاتری نسبت به ورزشکاران سالم داشتند، اگرچه تفاوت معنادار نبود. با اینحال، بین دو گروه ورزشکار سالم و معلول در عوامل اضطراب و خشم تفاوت معناداری نشان داده شد به طوری که ورزشکاران معلول نمرات بالاتری داشتند. قابل ذکر است براساس الگوی محدوده فردی عملکرد بهینه هانین (هانین، ۲۰۰۰) اضطراب و خشم از هیجان‌های منفی هستند.

3. Reed, Chan, Mikels

1. Myers, Feltz, Short
2. Friesen

موریس^۲ (۲۰۰۷) تاچ و همکاران (۲۰۱۱) و آلن و همکاران (۲۰۰۹) همسو و با نتایج سالوی و مایر (سالوی و مایر^۳ ۱۹۹۰) همخوانی ندارد. همچنین براساس الگوی محدوده فردی عملکرد بهینه هانین (۲۰۰۰) هیجان زدگی باعث بهبود عملکرد می شود و نوعی هیجان مثبت است در حالی که خشم نوعی هیجان منفی است. مکسول و موریس (۲۰۰۷) خشم در ورزش را به عنوان یک ویژگی عمومی یا متعلق به یک ویژگی خاص در ورزش بیان می کنند. خشم ممکن است قضاوت یک دعوای پایاپای را بدتر کند، در حالی که شادی ناشی از بردن در یک مسابقه حذفی، ممکن است انسجام و تلاش مستمر تیم را در تمرینات ارتقا بخشد. نتایج پژوهش حاضر با روبازا و بورتولی که نشان دادند هیجان شناختی به طور قابل توجهی خشم را در طول مدت بازی پیش بینی می کند، همسو است (روبازا و بورتولی^۴ ۲۰۰۷). با اینحال با نتایج سالوی و مایر (۱۹۹۰) همخوانی ندارد. آن ها بیان کردند که هیجان های منفی مثل عصبانیت، ناراحتی و خشم، می تواند اثرات مثبتی داشته باشد. البته دلیل این ناهمخوانی می تواند در نوع متغیرهای مورد بررسی باشد. اثرات مثبت بیان شده در پژوهش آن ها براساس افزایش میزان انگیزتگی بود که تا حدی می تواند منجر به بهبود عملکرد شود. آلن و همکاران (۲۰۰۹) نیز نشان دادند که کارایی تیم های ورزشی با اضطراب، خشم، انگیزتگی و شادی همبستگی دارد. همچنین در تحقیقات غیرورزشی، تاچ و همکاران (۲۰۱۱) بیان کردند که مسیر هیجان های از طریق خشم ناشی از احساس بی عدالتی در گروه های خاص، می تواند منجر به ایجاد حرکات جمعی در جامعه شود که این موضوع با نتایج به دست آمده در گروه ورزشکاران معلول همخوانی دارد.

بر همین اساس در پژوهش حاضر به دلیل میانگین ۱۲ سال سابقه مشارکت ورزشکاران معلول سال، نسبت به ورزشکاران سالم (۸ سال)، می توان گفت تجربه شرکت در مسابقات ورزشکاران معلول، می تواند عامل بیشتر بودن مقادیر هیجان ورزشی آن ها باشد.

پژوهش ها نشان می دهند ورزش یکی از راه هایی است که به افراد کمک می کند تا مسائل روانی خود را حل کنند و هیجان های خود را در مسیری صحیح به کار ببرند. در واقع هیجان های در موقعیت های میان فردی نقش بنیادی دارند و به عنوان یک منبع مهم از اطلاعات عمل می کنند که می توانند پاسخ های رفتاری و هیجانی را از دیگران فرابخواند (فریجدا و مسکوینتا^۱ ۱۹۹۴). والراند و بلانچرد معتقدند جنبه های هیجانی میان فردی و توانایی های هیجانی در ورزش و تمرین غالباً نادیده گرفته می شود (والراند و بلنچارد، ۲۰۰۰). استفاده از هیجان مستلزم توانایی ایجاد هیجان در خود و دیگران به منظور تمرکز توجه، افزایش فرآیندهای شناختی و بهبود حافظه است به طوری که هیجان های به طور مستقیم شناخت را تحت تأثیر قرار می دهند. برای مثال شادی، خلاقیت و پذیرش را پرورش می دهند و به همین شکل منجر به انسجام بیشتر تیم می گردند (فردریکسون^۲ ۲۰۰۱). با اینحال تفاوت معناداری بین عوامل کارایی جمعی در دو گروه ورزشکار مشاهده نشد. علاوه بر این در این پژوهش نشان داده شد که از بین خرده مقیاس های هیجان ورزشی، شادی (بطور مثبت) توانایی پیش بینی کارایی جمعی در ورزشکاران سالم و هیجان زدگی (بطور مثبت) و خشم (بطور منفی) توانایی پیش بینی کارایی جمعی در ورزشکاران معلول را دارند، به طوری که در ورزشکاران معلول، کاهش خشم و افزایش هیجان زدگی، کارایی تیمی را افزایش می دهد. این نتایج با پژوهش مکسول و موریس (مکسول و

4. Salovy, Mayer
5. Robazza, Bortoli

1. Frijda, Mesquita
2. Fredrickson
3. Maxwell, Moores

افراد در اولویت دوباره و تمرکز توجه روی کارهای مهم کمک می‌کند (سالوی و رودین؛ ۱۹۸۵). از این رو تیمی که بتواند هیجانان را برای تسهیل تفکر به گونه‌ای هماهنگ با وظیفه اختصاص یافته به آن‌ها ایجاد کند، احتمالاً انسجام بیشتری را احساس خواهد کرد. برخی از شواهد بیان می‌کنند که به انجام رساندن یک مداخله‌گر، تنها براساس هیجان، برای همه اعضای یک تیم جهت تحت تأثیر قرار دادن موفقیت امر بهینه نیست. در یک تیم، سطوح بهینه عملکردی متنوعی وجود دارند که در آن‌ها یک هیجان خاص احتمالاً عملکرد را افزایش نخواهد داد. یک ورزشکار ممکن است برای رسیدن به حالت‌های بهینه از ترازهای بالای انگیزش استفاده کند، درحالی که هم‌تیمی‌های او ممکن است با یک تراز پایین‌تری از انگیزش، بهتر عمل کنند (هانین، ۲۰۰۰). از این رو در حالی که یک مداخله‌گر افزایش دهنده انگیزش، ممکن است برای ورزشکار اول مؤثر باشد، اما همان مداخله‌گر ممکن است برای هم‌تیمی او مضر باشد. بنابراین می‌توان پیشنهاد داد پژوهش‌های آینده به بررسی هیجانان ورزشی براساس تفاوت‌های فردی در رشته‌های ورزشی تیمی بپردازند. همچنین عدم بررسی تفاوت‌های فردی از محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. در ضمن می‌توان اندازه‌گیری هیجانان ورزشی ورزشکاران، قبل از مسابقه را از محدودیت‌های پژوهش حاضر نام برد و پیشنهاد کرد پژوهشی به بررسی هیجانان ورزشی قبل، حین و بعد از مسابقه و براساس عملکرد در ورزش‌های تیمی انجام شود. براساس مدل محدوده بهینه عملکرد هانین و مدل لازاروس برای پژوهش‌های آینده می‌توان هیجانان مثبت و منفی و رابطه آن با عملکرد ورزشی ورزشکاران معلول و سالم را بررسی کرد. بین دو گروه از ورزشکاران با تجربه‌های زیستی و اجتماعی

نتایج پژوهش نشان داد هیجان ورزشی ۳۱ درصد از تغییرپذیری کارایی جمعی را در ورزشکاران معلول و ۱۵٪ در ورزشکاران سالم را پیش‌بینی می‌کند و این نشان دهنده آن است در گروه ورزشکاران معلول هیجان ورزشی بطور قابل ملاحظه‌ای توانایی پیش‌بینی تغییرات در کارایی جمعی را دارد. احتمالاً یکی از دلایلی که ورزش می‌تواند ورزشکاران معلول را در بهبود وضعیت خود یاری دهد این است که وقتی این افراد رشد و پیشرفت خود را در حین فعالیت‌بدنی، ورزش و مسابقه مشاهده می‌کنند، قدرت، مهارت و تسلط در حرکات ویژه ورزشی در آن‌ها افزایش می‌یابد، نسبت به خود و زندگی رضایت بیشتری احساس می‌کنند، مفهومی که از خود و دیگران دارند بهبود می‌یابد و موجب می‌شود در انجام مسئولیتی که به آن‌ها محول شده احساس استقلال کنند. براکت و گهر (۲۰۰۶) معتقدند بسیاری از معلولیت‌های حسی و حرکتی که در نتیجه آن برخی از توانایی‌های فرد از بین می‌رود، می‌تواند به عنوان منبع استرس عمل کرده و به افسردگی مزمن افراد منجر شود. اما در نقطه مقابل، ورزش سبب افزایش توانایی فرد می‌شود و از افسردگی آن‌ها جلوگیری می‌کند. از طرف دیگر توانایی‌های هیجانی برای عملکرد گروهی نیز ضروری هستند. برای مثال، درک دقیق هیجانان یک فرد باعث پیش‌بینی و درک عملکردهای بعدی او می‌شود (الفنبین و امبادی، ۲۰۰۲). بسیاری از مهارت‌های شناختی لازم برای کار تیمی تحت تأثیر هیجانان قرار می‌گیرند. هیجانان مثبت به توانایی تقویت یافته برای گرفتن سریع تصمیمات مهم، برنامه‌ریزی برای آینده (میرآ، ۱۹۸۶)، سازماندهی افکار، حل مسائل با استفاده از تفکر خلاق و استقامت در برابر موانع (سالوی و بیرنباوم، ۱۹۸۹) مربوط می‌شود. برعکس، هیجانان منفی به

4. Salovey, Birnbaum
5. Salovey, Rodin

1. Brackett, Geher
2. Elfenbein, Ambady
3. Mayer

عامل شادی، توانایی پیش‌بینی کارایی جمعی را در این نمونه داشت. پس می‌توان گفت تجربه شادی در این گروه می‌تواند کارایی و انسجام تیمی را بالا ببرد.

تشکر و قدردانی

از تمامی افرادی که ما را در انجام هرچه بهتر این پژوهش بویژه ورزشکاران محترم، هیئت ورزش‌های جانبازان و معلولین استان آذربایجان شرقی و هیئت‌های ورزشی استان آذربایجان شرقی یاری رساندند، کمال سپاس را داریم. این مقاله مستخرج از گزارش نهایی طرح پژوهشی با عنوان کارایی تیمی و هیجان ورزشی در ورزشکاران معلول و سالم است که از محل اعتبارات پژوهشی دانشگاه تبریز اجرا گردیده است.

م تفاوت یعنی ورزشکاران معلول و سالم در هیجان ورزشی کل و کارایی جمعی کل تفاوت مشاهده شد، بطوری که در عوامل خشم و اضطراب، ورزشکاران معلول مقدار بیشتری را نشان دادند. لذا بهتر است ورزشکاران معلول از روش‌های روان‌شناسی کاهش اضطراب و خشم در ورزش (مانند تنفس عمیق، دوری از موقعیت، اندیشیدن به ماترا و ..) بهره ببرند. همچنین از میان هیجان‌ات ورزشی عامل هیجان‌زدگی (مثبت) و خشم (منفی) توانایی پیش‌بینی کارایی جمعی را در ورزشکاران معلول نشان داد. بنابراین روش‌های مدیریت هیجان مانند چشم‌داشت‌ها، تفسیرها و باورها در مورد محرک، استفاده از راهبردهای آرام‌سازی و بهره‌گیری از روش‌های سازگاری و استفاده از روش‌های ذهن آگاهی (جوزفسون و همکاران، ۲۰۱۷) در این گروه از ورزشکاران می‌تواند کارایی جمعی آن‌ها را بهبود بخشد و از طرفی در ورزشکاران سالم فقط

منابع

- Allen, M. S., Jones, M. V., & Sheffield, D. (2009). Attribution, emotion, and collective efficacy in sports teams. *Group Dynamics: Theory, Research, and Practice*, 13(3), 205-217.
- Bandura, A. (1997). *Self-efficacy: The exercise of control*: Macmillan.
- Bahrami, A., Khajavi, D., Kavosi, M. (2014). Psychometric properties of Persian version of collective Efficacy Questionnaire for Sports. *Journal of motor behavior and sport psychology*, 1(1), 1-12. [persian]
- Barsade, S. G. (2002). The ripple effect: Emotional contagion and its influence on group behavior. *Administrative Science Quarterly*, 47(4), 644-675.
- Boslaugh, S. E., Andresen, E.M. (2006). Peer reviewed: correlates of physical activity for adults with disability. *Preventing chronic disease*, 3(3), 1-14.
- Brackett, M. A., Geher, G. (2006). Measuring emotional. Intelligence: Paradigmatic shifts and common ground. In J. Ciarrochi, Forgas, J.P., Mayer, J.D (Ed.), *Emotional intelligence in everyday life* (2nd ed., pp. 27-50). New York: Psychology Press.
- Carron AV, B. S., Eys MA. (2002). Team cohesion and team success in sport. *Journal of sports sciences*, 20(2), 119-126.
- Carver, C. S. (2004). Negative affects deriving from the behavioral approach system. *Emotions in sport*, 4(1), 3-22.
- Chan, D. (1998). The conceptualization and analysis of change over time: An integrative approach incorporating longitudinal mean and covariance structures analysis (LMACS) and multiple indicator latent growth

- modeling (MLGM). *Organizational Research Methods*, 1(4), 421-483 .
10. Elfenbein HA, A. N. (2002). Predicting workplace outcomes from the ability to eavesdrop on feelings. *Journal of Applied Psychology*, 87(5), 963-971 .
 11. Fredrickson, B. L. (2001). The role of positive psychology: The broaden-and-build theory of positive emotions. *American psychologist*, 56(3), 218-226 .
 12. Friesen, A. P., Lane, A.M., Devonport, T.J., Sellars, C.N., Stanley, D.N., Beedie, C.J. (2013). Emotion in sport: considering interpersonal regulation strategies. *International review of sport and exercise psychology*, 6(1), 139-154 .
 13. Frijda, N. H., Mesquita, B. (1994). The social roles and functions of emotions. In S. K. a. H. Markus (Ed.), *Emotion and culture* (pp. 51-87). Washington, DC American Psychological Association.
 14. Hanin, Y. L. (2000). Individual Zones of Optimal Functioning (IZOF) model: Emotion performance relationships in sport. In *Emotions in sport* (pp. 65-89). Champaign, IL: Human Kinetics.
 15. Hanin, Y. L. (2007). Emotions in sport : Current issues and perspectives. In G. T. R. C. Eklund (Ed.), *Handbook of sport psychology* (3rd ed., pp. 31-58). Hoboken, NJ: John Wiley & Sons.
 16. Hatfield, E., Cacioppo, J.T., Rapson, R.L. (1993). Emotional contagion. *Current directions in psychological science*, 2(3), 96-100 .
 17. Heidariei, A., Mashak, R., Darvishi, H. . (2009). Self- efficacy, loneliness, fear of success, satisfaction with life, students physical handicap, students normal. *Quarterly journal of social psychology (new findings in psychology)*, 4(10): 7-26. [persian]
 18. Jones, M. V. (2003). Controlling emotions in sport. *The Sport Psychologist*, 17(4), 471-486 .
 19. Jones, M. V., Lane, A.M., Bray, S.R., Uphill, M., Catlin, J. (2005). Development and validation of the Sport Emotion Questionnaire. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 27(4), 407-431.
 20. Josefsson, T., Ivarsson, A., Lindwall, M., Gustafsson, H., Stenling, A., Böröy, J., & Falkevik, E. (2017). Mindfulness mechanisms in sports: Mediating effects of rumination and emotion regulation on sport-specific coping. *Mindfulness*, 8(5), 1354-1363 .
 21. Keshtan, M. H., Ramzaninezhad, R., Kordshooli, S.S., Panahi, P.M. (2010). The relationship between collective efficacy and coaching behaviors in professional volleyball league of Iran clubs. *World Journal of Sport Sciences*, 3(1), 1-6 .
 22. Lavalley, D., Thatcher, J., Jones, M.V. (2004). *Coping and emotion in sport: Future directions*: Nova Science.
 23. Lazarus, R. S. (2000). Cognitive-motivational-relational theory of emotion. In Y. L. Hanin (Ed.), *Emotions in sport* (pp. 39-63). Champaign, IL, US: Human Kinetics.
 24. Lazarus, R. S. (2000). How emotions influence performance in competitive sports. . *The Sport Psychologist*, 14(3), 229-252 .
 25. Lee, S., Kim, Y., & Heere, B. (2018). Sport team emotion: Conceptualization, scale development and validation. *Sport Management Review*, 21(4), 363-376.
 26. Lindsley, D. H., Brass, D.J., Thomas, J.B. (1995). Efficacy-performing spirals: A multilevel perspective. *Academy of management review*, 20(3), 645-678 .
 27. Martin, J. J. (2010). Athletes with physical disabilities. In M. B. A. Stephanie J. Hanrahan (Ed.), *Routledge handbook of applied sport psychology*. London: Routledge.
 28. Maxwell, J. P., & Moores, E. (2007). The development of a short scale measuring aggressiveness and anger in competitive athletes. *Psychology of sport and exercise*, 8(2), 179-193 .
 29. Mayer, J. D. (1986). How mood influences cognition. *Advances in cognitive science*, 1: 290-314.

30. Myers, N. D., Feltz, D.L., Short, S.E. (2004). Collective Efficacy and Team Performance: A Longitudinal Study of Collegiate Football Teams. *Group Dynamics. Theory, Research, and Practice*, 8(2), 126-138 .
31. Organization, W. H. (2011). World report on disability. Retrieved from Switzerland :
32. Papaioannou, A., Karastogiannidou, C., Theodorakis, Y. (2004). Sport involvement, sport violence and health behaviours of Greek adolescents. *The European Journal of Public Health*, 14(2), 168-172 .
33. Reed, A. E., Chan, L., Mikels, J. A. . (2014). Meta-analysis of the age-related positivity effect: age differences in preferences for positive over negative information. *Psychology and aging*, 29, (۱-۱۵)
34. Robazza, C., Bortoli, L. (2007). Perceived impact of anger and anxiety on sporting performance in rugby players. *Psychology of sport and exercise*, 8(6), 875-896 .
35. Ruiz, M. C., Raglin, J.S, Hanin, Y.L. (2017). The individual zones of optimal functioning (IZOF) model (1978–2014): historical overview of its development and use. *International Journal of Sport and Exercise Psychology*, 15(1), 41-63 .
36. Salovey, P., Birnbaum, D. (1989). Influence of mood on health-relevant cognitions. *Journal of personality and social psychology*, 57(3), 539-551 .
37. Salovey, P., Rodin, J (1985). Cognitions about the self: Connecting feeling states and social behavior. In P. Shaver (Ed.), *Self, situation and social behavior* (Vol. 6, pp. 143-166). California, US: Beverly Hills.
38. Salovy, P., Mayer, J.D. (1990). Emotional intelligence. *Imagination, Cognition and Personality*, 9(3), 185-211 .
39. Sepasi, H., Nourbakhsh, P., Aghaei, H. (2012). A Comparison of Sport Personality Characteristics and Mental Health Dimensions of Disabled and Non-disabled Male Athletes. *International Journal of Health, Wellness & Society*, 2(3), 111-118 . [persian]
40. Short, S. E., Sullivan, P., Feltz, D.L. (2005). Development and preliminary validation of the collective efficacy questionnaire for sports. *Measurement in Physical Education and Exercise Science*, 9(3), 181-202 .
41. Smith ,B., Sparkes, A. (2012). Disability, sport and physical activity. A critical review. In A. R. N. Watson, & C. Thomas (Ed.), *Routledge handbook of disability studies* (Vol. 2, pp. 336-347). UK.
42. Tausch, N., Becker, J. C., Spears, R., Christ, O., Saab, R., Singh, P., & Siddiqui, R. N. (2011). Explaining radical group behavior: Developing emotion and efficacy routes to normative and nonnormative collective action. *Journal of personality and social psychology*, 101(1), 129-148.
43. Vallerand RJ, B. C. (2000). The study of emotion in sport and exercise: Historical, definitional, and conceptual perspectives. In Y. L. Hanin (Ed.), *Emotions in sport* (pp. 3-37). Champaign, IL, US: Human Kinetics.
44. Vallerand, R. J., Blanchard, C.M (2000). The study of emotion in sport and exercise. In Y. L. Hanin (Ed.), *Emotions in sport* (pp. 3-37): Human Kinetics.
45. Vast, R. L., Young, R.L., Thomas, P.R. (2010). Emotions in sport: Perceived effects on attention, concentration, and performance. *Australian Psychologist*, 45(2), 132-140 .
46. YL, H. (2000). Successful and poor performance and emotions. In Y. L. Hanin (Ed.), *Emotions in sport* (pp. 157-187). Champaign, IL, US: Human Kinetics.

استناد به مقاله

زمانی ثانی، س. ح.، فتحی رضائی، ز.، و عباس‌پور، ک. (۱۳۹۷). هیجان ورزشی و کارایی جمعی در ورزشکاران سالم و معلول. مجله مطالعات روان‌شناسی ورزشی، شماره ۲۶، ص. ۳۱-۴۴. شناسه دیجیتال: 10.22089/SPSYJ.2018.6177.1659

Zamani San, S. H., FathiRezaie, Z., & AbbasPour, K. (2019). Sport Emotion and Collective Efficacy among Healthy and Disabled Athletes. *Journal of Sport Psychology Studies*, 26; Pp: 31-44. In Persian. Doi: 10.22089/SPSYJ.2018.6177.1659

Archive of SID

Sport Emotion and Collective Efficacy among Healthy and Disabled Athletes

Seyed Hojjat Zamani Sani¹, Zahra Fathirezaie²,
and Kosar Abbaspour³

Received: 2018/07/29

Accepted: 2018/10/21

Abstract

The purpose of this study was to investigate of collective efficacy and sport emotion and also the predictive factors of collective efficiency sources by sport emotion in healthy and disabled athletes which was done in a retrospective method. 41 disable athlete and 43 healthy athlete were selected by cluster sampling method from team sports. Sport emotion and collective efficacy questionnaire for Sports were used. Data were analyzed by Multivariate Analysis of variance and multiple regression at significant level 0.05. The results showed significant difference in sport emotion and collective efficacy among of healthy and disable athletes. Further analysis showed significant differences only in anxiety and anger between healthy and disabled athletes groups. In addition, sport emotions predicted 31% and 15% of collective efficacy variability in disabled and healthy athletes respectively. The importance of experiences and also anxiety and anger regulation in disabled sports and happiness in healthy athletes was discussed.

Keywords: Sport Emotion, Collective Efficacy, Disable, Anxiety, Anger

1. Assistant Professor of Motor Behavior, Physical Education & Sport Science Faculty, University of Tabriz (Corresponding Author)

E-mail: hojjatzamani8@gmail.com

2. Assistant Professor of Motor Behavior, Physical Education & Sport Science Faculty, University of Tabriz

3. MS student of Motor Development, Physical Education & Sport Sciences Faculty, University of Tabriz